



پوتین به جای پوتین

محمد صادقی



در ماه‌های اخیر گمانه‌زنی‌های زیادی درباره جانشین احتمالی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه انجام گرفته و محبوبیت پوتین به ویژه با پیروزی حزب وی در انتخابات اخیر پارلمانی (کسب بیش از ۶۰ درصد آرا) باعث شد بسیاری از تحلیلگران به این باور برسند هر نامزدی که مورد حمایت وی قرار گیرد، از بخت بسیار بالایی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری که قرار است دوم مارس ۲۰۰۸ برگزار شود، برخوردار خواهد بود. اکنون بعد از اعلام و حمایت چهار حزب مهم روسیه (روسیه متحد، روسیه عادل، حزب کشاورزی روسیه و نیروی شهروندی) از "دیمیتری آناتولیویچ مدودوف" برای کاندیداتوری ریاست جمهوری که مورد حمایت پوتین نیز قرار گرفته، تحلیل‌ها و

بسیاری از ناظران معتقدند اعلام زودهنگام کاندیداتوری مدودوف بهترین هشدار به غرب مبنی بر تداوم سیاست اقتصاد بازار در روسیه است

گمانه‌زنی‌ها حکایت از ریاست جمهوری قطعی مدودوف دارد. هر چند در نگاه اول همه چیز ساده به نظر می‌رسد، ولی آیا واقعا پوتین بعد از اتمام دوران ریاست جمهوری‌اش از قدرت کناره‌گیری خواهد کرد؟ آیا پوتین که بنابر توصیف "گری گاسپاروف" قهرمان سابق شطرنج جهان سیاستمداری است که با دو وزیر شطرنج بازی می‌کند، خواهد توانست از رویای تبدیل شدن به یک رهبر ملی صرف‌نظر کند؟

نگاهی به سناریوی نخست‌وزیر شدن پوتین

در نگاه اول همه چیز خیلی ساده به نظر می‌رسد: دیمیتری مدودوف، کاندیدای ولادیمیر پوتین قرار است جانشین او، یعنی رئیس جمهور روسیه بشود و خود پوتین به عنوان نخست‌وزیر دیمیتری مدودوف، همچنان قدرت را در دست داشته باشد. این امکان که از تابستان، مدودوف و پوتین مشترکا بر روسیه حکومت کنند، منتفی نیست. ولی اگر خوب بنگریم، در عملی بودن این سناریو شک خواهیم کرد: چگونه می‌توان در آینده چنین ترکیبی را متصور شد؟ آیا کسی می‌تواند تصور کند که صبح‌ها پوتین به عنوان نخست‌وزیر به کاخ کرملین رود تا به رئیس جمهور مدودوف حساب پس بدهد و درباره موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های طرح‌های ملی گزارش دهد؟ بعد رئیس جمهور

مدودوف هم دوست بزرگتر و سلف خود پوتین را تحسین یا در صورت ارتکاب اشتباهات بزرگ سرزنش کند؟ نه! تصور این که پوتین زیر دست کسی که خود او پیشنهاد کرده، به عنوان نخست‌وزیر کار کند دشوار است؛ لاقلا تا موقعی که تقسیم وظایف رئیس جمهور و نخست‌وزیر به شکل فعلی بماند. این مساله‌ای است که پوتین نیز به خوبی از آن آگاه است. در بهترین حالت، این جریان همچون یک سناریوی طنزآمیز جلوه خواهد کرد و در بدترین حالت، مدودوف افسانه "رهبر ملی" بودن پوتین را بی‌اثر می‌سازد. از این رو نباید سناریوی نخست‌وزیر شدن پوتین تحت ریاست جمهوری مدودوف را به عنوان سناریوی قطعی تلقی نمود. تصمیم پوتین برای پذیرش پست نخست‌وزیری دلایل ملموس‌تری دارد. تنها هدف او تا دوم ماه مارس، این است که مدودوف رئیس جمهور روسیه شود. در حال حاضر این موضوع که پوتین تحت ریاست جمهوری مدودوف، نخست‌وزیر روسیه شود، نه منتفی و نه حتمی است و تصمیم نهایی در این خصوص باید پس از دوم مارس در کرملین گرفته شود. ولی در یک چیز نباید شک کرد و آن اینکه ولادیمیر پوتین بازی بزرگی را با غرب و بخصوص آمریکا شروع کرده است که هیچ سیاستمداری در روسیه کنونی به جز خود وی قادر به ادامه‌ی آن نخواهد بود و با توجه به اقبال عمومی نسبت به این سیاست استراتژیک،

یگانه راه برای دنبال کردن آن تنها از عهده‌ی وی بر خواهد آمد.

پوتین به دنبال چیست؟

مدودوف یک اقتدارگرای دیگر

"دیمیتری آناتولیویچ مدودوف" ۴۲ ساله دارای دکترای حقوق خصوصی است و از او به عنوان فردی لیبرال، حقوقدانی مجرب و دوست و هم دوره تحصیلی پوتین نام برده می‌شود. در واقع معرفی مدودوف با امتیازهایی چون معاونت نخست‌وزیر روسیه، سرپرستی و معاونت شرکت دولتی گازپروم، مدیریت اجرایی طرح‌های ملی و سوابق مطالعاتی و حقوقی حاکی از ورود کادری جدید، لیبرال و در عین حال ملی‌گرا و همسو با سیاست‌های پیشین پوتین به کرملین است. مدودوف با توجه به اینکه سال‌ها تحت تاثیر تعلیمات سیاسی و اجرایی پوتین بوده، بدون تردید ادامه دهنده‌ی راه هشت سال گذشته‌ی رییس جمهور روسیه خواهد بود و در واقع کلیدداری کرملین و نقشی اجرایی خواهد داشت تا تصمیم گیرنده. مدودوف همکاری خود با پوتین را از سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ با برعهده گرفتن سمت کارشناس حقوقی شهرداری سن پترزبورگ در زمانی که پوتین شهردار این شهر بود آغاز کرد و در نوامبر ۱۹۹۹ به کابینه پوتین راه پیدا کرد و دسامبر همان سال به عنوان معاون سرپرست هیات ریاست جمهوری آغاز به کار کرد. در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به عنوان سرپرست گازپروم انتخاب شد. پس از چندی تنزل یافت و معاون سرپرست گازپروم شد اما دوباره در ژوئن ۲۰۰۲ ریاست گازپروم را بر عهده گرفت. در نوامبر ۲۰۰۵ مدودوف در کنار سرپرستی گازپروم از سوی پوتین به سمت‌های معاون اول نخست‌وزیر و معاون اول رییس پروژه‌های ملی منصوب شد.

پیش از اعلام حمایت رسمی چهار حزب روسی از مدودوف، از سرگئی ایوانوف وزیر سابق دفاع نیز به عنوان جانشین پوتین نام برده می‌شد، اما حمایت این چهار حزب و شخص پوتین از مدودوف که دارای رویکرد اقتصادی و حقوقی است، نسبت به ایوانوف که فردی نظامی و سیاسی است، می‌تواند نشان دهنده‌ی خط مشی آینده‌ی پوتین، یعنی تداوم سیاست اقتصاد بازار در روسیه باشد. مخالفان معتقدند انتخاب مدودوف که از نزدیکان و دوستان رییس جمهور روسیه است حکایت از تثبیت قدرت پوتین و ادامه‌ی سیاست‌های او دارد. البته پیش از این برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن

ولادیمیر پوتین رییس جمهور روسیه استعداد عجیبی در شگفتی‌سازی دارد. آخرین موردی که وی این استعداد را بروز داد برکناری "میخائیل فرادکوف" نخست‌وزیر و

انتصاب "ویکتور زوبکوف" بازرس اقتصادی ۶۵ ساله گمنام و ناشناخته‌ای به جای وی بود که از محارم حلقه پوتین محسوب می‌شود. در روسیه گمان عموم بر آن است که پوتین با جابه‌جا کردن شخصیت‌های سیاسی در مشاغل مختلف در واقع در پی آراستن صحنه سیاسی آینده‌ی روسیه به صورتی است که رییس جمهور آینده این کشور فردی مطابق میل و سلیقه‌ی وی باشد. این باور عمومی البته باور درستی هم است. پوتین می‌خواهد رییس جمهور آینده که در انتخابات ماه مارس (اسفند-



فروردین) آینده برگزیده می‌شود، فرد مورد اعتماد

وی بوده و شکل و سیاق فعلی نظام سیاسی را حفظ کند. به همین منظور پوتین می‌خواهد مدودوف را که هنوز چهره شناخته شده‌ای برای همه نیست و چندان وجهه‌ای هم ندارد، با کمک خود به عنوان نخست‌وزیر به مقام ریاست جمهوری برساند. به گفته‌ی کارشناسان در چنین شرایطی، انتخابات ریاست جمهوری بعدی روسیه به فرآیندی برای پوتین تبدیل می‌شود تحت این عنوان که: "اگر مدودوف را انتخاب کنید، پوتین را هم دارید!". پشتیبانی پوتین از مدودوف تنها نشانه‌ای برای مردم روسیه و کسانی که در انتخابات شرکت می‌کنند، نیست. سناریوی "مدودوف/رییس جمهور-پوتین/نخست‌وزیر" همچنین هشدار برای بخشی از برگزیدگان کرملین است که از ریاست جمهوری مدودوف چندان خوشنود نیستند. این یک شایعه پذیرفتنی است که بخشی از نیروهای برگزیده‌ی کرملین می‌خواستند و همچنان می‌خواهند که پوتین، رییس جمهور باقی بماند. آن‌ها نگرانند که تحت ریاست جمهوری مدودوف نفوذ خود را و در نتیجه منافعی که تا به حال کسب می‌کردند را از دست بدهند. پوتین درست به این گروه مخالفان مدودوف، به گونه‌ای روشن هشدار می‌دهد که باید مدودوف را به عنوان رییس جمهور بپذیرند، چون خود او هنوز قدرت را در دست دارد، منتها به عنوان نخست‌وزیر. جابه‌جا شدن نخست‌وزیران پوتین تا حدودی یادآور کیش قدرت تزارها نیز هست. به باور کارشناسان مسایل روسیه، پوتین با این رویه می‌خواهد بگوید: "ما هر آن کس را که مورد رضای ما باشد برمی‌کشیم، هر آن کس را که بخواهیم کنار می‌زنیم و رعایای ما راهی ندارند جز آن که از کارهای ما تعریف و تمجید کنند". هر بار که این رویه یعنی صدور فرامین پوتینی و اطاعت عامه رعایا تکرار می‌شود، مرام ارباب و رعیتی در عرصه سیاسی روسیه بیشتر ریشه می‌دواند.

بود که پوتین با تغییر قانون اساسی بار دیگر کاندیدای ریاست جمهوری خواهد شد، اما وی با عدم تغییر در قانون اساسی و شرکت نکردن در انتخابات آتی ریاست جمهوری برای سومین بار متوالی، در واقع به عنوان ضامن رعایت قانون اساسی در روسیه عمل کرد. از سوی دیگر پتانسیل مدودوف در این است که رییس جمهور، وزرا و بیش از نیمی از استاندارها پشت او ایستاده‌اند. حتی رمضان قدیراف رییس جمهور چچن از نامزدی مدودوف حمایت کرده و او را مرد عمل نامیده است. قدیراف گفته است مدودوف می‌تواند به انجام اصلاحات در روسیه ادامه دهد و او نماینده‌ی شایسته‌ای برای روسیه در عرصه‌ی بین‌الملل خواهد بود. از سوی دیگر بسیاری از ناظران معتقدند اعلام زود هنگام کاندیداتوری مدودوف بهترین هشدار به غرب مبنی بر تلاطم سیاست اقتصاد بازار در روسیه است.

با این وجود کاندیداتوری مدودوف برای غرب غیرمنتظره بود زیرا تمام کارشناسان غربی معتقد بودند که پوتین کاندیدایی سختگیرتر را از محافل امنیتی و نظامی انتخاب می‌کند. با این حال این رویداد برای غربی‌ها اگر چه غیرمنتظره بود، اما اتفاقی خوشایند به شمار می‌رود؛ زیرا مدودوف در شمار مسوولان امنیتی و نظامی روسیه نیست و یکی از مجریان اقتصاد بازار محسوب می‌شود. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که مدودوف رییس جمهوری مقتدر خواهد بود و بعید است سناریوهای پیش‌بینی شده‌ی بازگشت پوتین به قدرت که غرب از آنها هراس داشت اجرا شوند. البته کارشناسان روس می‌گویند پوتین با حمایت از کاندیداتوری مدودوف، غرب را شگفت‌زده کرد. در غرب همه منتظر بودند کاندیدایی ضعیف معرفی شود اما پوتین فردی مقتدر، مسوولیت‌پذیر و مستقل در تصمیم‌گیری‌ها را برگزید. می‌توان این موضوع را اینگونه تفسیر کرد که پوتین می‌خواهد مطمئن باشد سیاست وی در آینده تغییر نخواهد کرد و روسیه همچون حال حاضر به اقتدار و توسعه در تمامی عرصه‌ها ادامه خواهد داد.

در این راستا مدودوف که در غرب نه تنها به عنوان یک سیاستمدار بلکه مدیر گازپروم نیز شهرت دارد، می‌تواند سبب تلاطم تحکیم ارتباطات میان سیاست و اقتصاد باشد که این برای توسعه آتی روسیه بسیار مهم است. در عین حال مدودوف لیبرال‌ترین سیاستمدار کرملین است و در مسیری



مدودوف لیبرال‌ترین سیاستمدار کرملین است و در مسیری فعالیت می‌کند که مدرن‌تر، آشکارتر و لیبرال‌تر از سایر سیاستمداران در کرملین است

فعالیت می‌کند که مدرن‌تر، آشکارتر و لیبرال‌تر از سایر سیاستمداران در کرملین است. کاندیداتوری مدودوف این امکان را به پوتین می‌دهد که فکر کند در آینده طبق چه سناریویی عمل کند.

البته دو سناریو در این راستا قابل پیش‌بینی است؛ یکی اینکه پوتین پس از گذشت یک دوره بار دیگر به ریاست جمهوری برسد که در آن صورت می‌بایست کاندیدای کم‌رنگ‌تری به عنوان مثال نخست‌وزیر کنونی را انتخاب می‌کرد و سناریوی دیگر این است که پوتین قدرت را منتقل می‌کند و

به تدریج میزان نفوذ خود را در سیاست کاهش می‌دهد که در آن صورت می‌بایست سرگئی ایوانف معاون اول نخست‌وزیر را انتخاب می‌کرد. اما مدودوف چیزی میان آن دو است و با انتخاب وی فرصت برای اندیشیدن پوتین همچنان باقی است. از سوی دیگر بازاری‌ها و تجار روسی از زمان مطرح شدن نام مدودوف برای ریاست جمهوری به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ یک گروه مطرح شدن نام وی را خبری خوش برای بازار توصیف کرده و معتقدند لیبرال‌ترین کاندیدا از میان کاندیداهای محتمل انتخاب شد. در بازار روسیه نیز از حمایت پوتین از نامزدی مدودوف برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری استقبال شد زیرا این باور وجود دارد که این مساله اثری مثبت بر سرمایه‌گذاران خواهد داشت. اما دسته دوم معتقدند خبر مطرح شدن نام مدودوف برای ریاست جمهوری و حمایت رییس جمهور از او، تاثیری بر فضای سرمایه‌گذاری و اقتصاد نمی‌گذارد و تنها وضعیت نامعلوم در رابطه با روی کار آمدن رییس جمهور را رفع می‌کند. این گروه معتقدند که ممکن است مدعی دیگری نیز برای ریاست جمهوری اعلام موجودیت کند. در هر صورت طبق قانون اساسی روسیه فعالیت‌های انتخاباتی بلافاصله پس از انتشار رسمی تصمیم شورای فدراسیون روسیه (سنا) در مورد اعلام تاریخ انتخابات در معتبرترین روزنامه رسمی کشور آغاز می‌شود. تا پیش از ۲۳ دسامبر جاری نیز تمامی نامزدهای انتخاباتی باید تمایل خود را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری به اطلاع کمیسیون مرکزی انتخابات روسیه برسانند. براساس گزارش‌ها "گنادی زوگانف" رهبر حزب کمونسیت، "ولادیمیر ژیرینوفسکی" رهبر حزب لیبرال دموکرات و "بوریس نمتسوف" رهبر حزب اتحادیه نیروهای راستگرا به طور قطع در انتخابات شرکت می‌کنند. در این میان احتمال بسیار اندکی هم وجود دارد که نام "میخائیل کاسیانوف" نخست‌وزیر سابق روسیه یا "گری کاسپاروف" قهرمان سابق شطرنج جهان و برخی دیگر از رهبران مخالف در ائتلاف "روسیه دیگر" در لیست نامزدهای پست ریاست جمهوری دیده شود. این افراد برای شرکت در این انتخابات باید علاوه بر ارائه اسناد و مدارک لازم به کمیسیون مرکزی انتخابات، قادر باشند تا دو میلیون امضا از طرفداران خود که حاضر به رای دادن به آنان در انتخابات ریاست جمهوری روسیه باشند نیز جمع‌آوری کنند.